

مهم ترین وجه غالب این شعر: ابهام
جای انگاری در تصویر
گاہ انگاری در تصویر

- در مورد جای انگاری در تصویر و واژه (کجا) مبهم است.
اما از قرائن موجود می شود فهمید که فضا، فضای آسمان است

- در مورد گاہ انگاری در تصویر و (سب معراج) با توجه به کلمات به کار رفته در شعر

- مؤلفه اصلی ابهام در این شعر و کاربرد (نمادها) است.

- ابهام در کلمات: (کجا)، (تو)، (دیسب)

- در مقوله زبان و زیبایی، مهم ترین بحث: دال ها و مدلول ها (= نمادها)
باید بررسی کرد کلمات شعر را تا ببینیم کدام کلمات به (کجا) بر می گردند و کدام کلمات به (تو)

- کلمات ملائک، عرش، عطر سبز، نور، هودج، ربار، اقصی مرزهای دور، هاشمگی،
سبب بانی و... به یک سفر آسمانی و روحانی اشاره دارند

- کلمات: (یا تو، سبز، سفید...) به فضای معراج را توصیف می کنند.

- یک تصویر در این شعر: شاد و معنوی

- در مورد واژه های «من» و «تو» در این سروده:

احتمال دارد این (من) در (تو) یک نفر باشند؛ یعنی شاعر در حین آتش به سفر می رود اما اگر
(معتشوق) او را در نظر بگیریم، در (من) یا بیم که این (تو) یک معتشوق جنسی نیست بلکه این
(تو) دارای معرفت بالایی است، به طوریکه شاعر با او توانسته به عرش برود
السبب (حیدر نیل) را هم می تواند تداعی کند.

- اسنجام و اندام وارگس واژه های مرتبط در این شعر و تعامل های معنایی آنها با یکدیگر.
- تعامل عمیق واژه ها در خصوص عرفان به ویژه (مطرح)
- اسنجام دستوری از نوع ارجاع ضمیر (تو)
- اسنجام واژگانی در چهار دسته ۱- واژگان متناسب (زمانی، مکانی، اصطلاحات عرفانی)
- اندام وارگس بقادیر

- وجه غالب این سروده: اربام (به دلیل کاربرد واژگان چندرسته در آن)

- توجه کنید:

این شعر از نظر بلاغت سنتس و قدمايس مثل (تشبیه، استعاره، مجاز...) قابل تقدیر است بلکه باید از نظر (نشانه، اربام، چند معنایی، انواع اسنادها، تعامل های واژگانی، اندام وارگس و دال و مولول و نماد) بررسی شود.

- یک امتیاز مهم این سروده: یکپارچگی واژه ها و ترکیبات آن است.

- از نظر آرایه ای این مضمون ترین آنها: تشبیه / بارادوکس / تضاد ...

- ردیابی اندام شاعر را می توان در این سروده مشاهده کرد با نظامی و ریتم او در باره معراج